

• اشاره

قرآن کریم تاکنون پنج بار به زبان قزاقی ترجمه شده است. اولین و شاید بهترین آنها ترجمه‌ای است که توسط دانشمند کهنسال، آقای «خلیفه آلتای» انجام گرفته است. ترجمه نامبرده تا به حال در استانبول دوبار با حروف عربی و یک بار با حروف سیریلیک، و در قازان شش بار منتشر شده است. از سوی مجمع ملک فهد نیز در ۲۳۰۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده که ۵۰۰۰۰ نسخه آن به قزاقستان ارسال گردیده است. خلیفه آلتای که در حال حاضر ۸۴ سال دارد، شخصی موقر و متدین و فرهیخته و جهان‌نیده است و در میان مردم قزاقستان از محبوبیت خوبی برخوردار است، به گونه‌ای که من خود در شهر «آلماتی» شاهد بودم که پس از برگزاری نماز جمعه، نمازگزاران به صف می‌ایستادند و دست او را به عنوان تبرک می‌بوسیدند و از وی می‌خواستند که برای آنان دعا کند، و او هم دعا می‌کرد و مردم آمین می‌گفتند. هرچند سن بالای او امکان تلاش فراوان علمی را از وی سلب کرده، اما او همچنان از روی عقیده و اخلاص، در حد توان به تلاش‌های علمی خود ادامه می‌دهد.

روز ۲۳ آذرماه ۱۳۸۰ با همکاری رایزنی فرهنگی ایران در قزاقستان، برای دیدار او به خانه‌اش رفتم. در اتاقی کوچک که مخصوص مطالعه او بود مشغول تلاوت قرآن بود. پس از سلام و آشنایی، به من پیشنهاد کرد که آیاتی از قرآن مجید را برای او قرائت کنم، و گفت: دلم برای شنیدن صوت قرآن تنگ شده است، زیرا سال‌هاست که به علت پیری نمی‌توانم قرآن را با صوت بخوانم. من سوره ضحی را با صوت برای او خواندم. اشک از چشمانش جاری شد. در این هنگام فرزندش که در کنارش نشسته بود، دستمالی آورد و اشک از گونه‌های او پاک

کرد. مشاهده این صحنه برای من بسیار لذتبخش بود، زیرا می‌دیدم در سرزمینی که حدود هفتاد سال تحت حاکمیت کمونیسم قرار داشت، این‌گونه دل‌های پاک و انسان‌های والا و تشنه وحی زندگی می‌کنند. به هر حال، باب سخن با او را گشودم و درباره شرح حال و تحصیلات او و ترجمه‌اش از قرآن کریم سؤالاتی نمودم که به سؤالات من پاسخ داد. آنچه در زیر می‌خوانید، گفت و گوی کوتاهی است که میان من و ایشان انجام گرفته است:

□

• لطفاً مختصری از شرح حال و تحصیلات خود را بیان کنید.

□ من، خلیفه آلتای در سال ۱۹۱۷ در منطقه کوهستانی آلتای عالی ترکستان شرقی، واقع در نزدیکی مرز مغولستان متولد شدم. پدرم مردی فرهنگی و متدین بود و به کسب و تجارت اشتغال داشت. در دوران کودکی نزد پدرم و تنی چند از علما به یادگرفتن خط و تحصیلات ابتدایی پرداختم و سپس نزد دو استاد دیگر به فراگیری زبان عربی مشغول شدم. پس از آن که در مرزهای مغولستان آتش جنگ شعله‌ور شد، مجبور شدیم از کشور خود هجرت کنیم و در منطقه «بارکول» استان «قمول» در مرز چین ساکن شویم. پنج سال در این منطقه ماندیم، و من به تحصیلات خود ادامه دادم و فقه، حدیث و تفسیر را نزد علمای آن دیار فراگرفتم. در آن هنگام من ۱۶ سال داشتم. بیش از نیم قرن از وطن دور بودم، ولی همیشه کوشش می‌کردم با قرآن و معارف اسلامی سروکار داشته باشم. سرانجام در سال ۱۹۹۲م که وطنم قزاقستان استقلال یافت، از کشور ترکیه به وطن بازگشتم.

• **در چه تاریخی و چگونه ترجمه قرآن به زبان قزاقی را آغاز نمودید؟**

□ در دورانی که ساکن ترکیه بودم، در سال ۱۹۸۱م، اجلاسی با حضور شخصیت‌های اسلامی ترکیه تشکیل شد و درباره یک سلسله کارهای بایسته فرهنگی - دینی، گفت و گوهایی انجام گرفت و تصمیماتی اتخاذ شد. یکی از آن کارها ترجمه قرآن بود، که من عهده‌دار انجام آن شدم و به لطف خدا توانستم تا سال ۸۶ آن را به پایان رسانم. از این رو، اولین چاپ ترجمه من از قرآن کریم در ترکیه انجام گرفت. پس از آن، چاپ دوم نیز در ترکیه و چاپ سوم در قطر انجام شد. تا این که چندی قبل در عربستان چاپ چهارم آن با تیراژ یک میلیون نسخه منتشر شد. اخیراً مطلع شدم که برخی ناشران در آلمانی به چاپ پنجم آن اقدام نموده‌اند.

• **شما به عنوان یک مترجم قرآن چه ویژگی‌هایی برای یک ترجمه خوب معتقدید، و خودتان در ترجمه قرآن چه خصوصیات را مورد توجه قرار داده‌اید.**

□ ترجمه قرآن علاوه بر این که باید از شرایط عمومی ترجمه برخوردار باشد، شرایط زیر را نیز باید داشته باشد:

۱. مفهوم و مدلول آیات در آن به خوبی منعکس شده باشد.
۲. از نثری روان و سلیس برخوردار باشد. به گونه‌ای که خواننده را به خود جذب کند.
۳. مترجم نباید به ترجمه تحت اللفظی آیات اکتفا کند، زیرا برخی آیات نیازمند توضیح‌اند، و باید مترجم در این گونه موارد توضیح لازم را به گونه‌ای که از اصل ترجمه متمایز باشد بیاورد.
۴. در مواردی که توضیح کلمه یا آیه‌ای در سوره دیگر آمده است، مترجم باید آدرس آن کلمه یا آیه را ذکر کند تا خواننده در صورت تمایل، به آن مراجعه کند و به توضیحات لازم

دست بیابد.

□

• آیا غیر از ترجمه قرآن تألیفات دیگری نیز دارید؟

□ بله، تألیفات دیگری هم دارم که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. صراط القرآن و شرایط الایمان، این کتاب در سال ۱۹۸۰ در ۲۰۰۰ نسخه به زبان قزاقی و حروف عربی در استانبول منتشر گردیده و در سال ۱۹۸۳ در ۵۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده است.

۲. الفبای قرآن، به زبان قزاقی و الفبای سیریلیک که سه بار در استانبول و ده بار در قزاقستان چاپ شده و از سوی سازمان ارتباطات جهان اسلام به حروف عربی و زبان قزاقی در جده، قطر، کنگو و مغولستان نیز منتشر گردیده است.

۳. فقه، به زبان قزاقی و الفبای سیریلیک، که یک بار در استانبول و دو بار در قزاقستان انتشار یافته است.

۴. عبادات اسلامی، مشتمل بر فرایض پنجگانه اسلام، به زبان قزاقی و حروف سیریلیک.

۵. ترجمه گزیده احادیث، به زبان قزاقی و الفبای سیریلیک.

۶. سیره پیامبر (ص)، به زبان قزاقی که در سال ۱۹۹۵ در آنکارا منتشر شده است.

۷. خطبه‌های نماز جمعه (۳۸ خطبه) و خطبه‌های نماز عید فطر و عید قربان، به زبان قزاقی.

۸. خاطرات من، به زبان قزاقی و حروف لاتینی، که در سال ۱۹۸۰ در استانبول منتشر شده است.

■